احزاب

نورانی‌نژاد:
وفاق ملی بدون همراهی تمام ارکان حاکمیت، در نطفه خفه می‌شود

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: اگرچه رئیس‌جمهور تلاش کرده است تا با گنجاندن دیدگاه‌های متنوع در تیم اجرایی خود به وفاق ملی نزدیک شود، اما این اقدام به تنهایی کافی نیست. مقاومت برخی گروه‌های متصلب و کارشکنی‌های ساختاری می‌تواند این ایده را در نطفه خفه کند و مانع از حل مشکلات کشور شود.

حسین نورانی‌نژاد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با ایلنا، با بیان اینکه وفاق ملی برای عبور از بحران‌های کنونی، ضرورت دارد عنوان کرد: تحقق این مفهوم نیازمند مشارکت و تعهد همه ارکان حاکمیت و جامعه است. وفاق ملی تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که همه اجزای حاکمیت، از دستگاه قضایی گرفته تا مجلس و نهادهای دیگر، به این اصل معتقد باشند و از تفکرات متنوع و گروه‌های مختلف در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند.

وی افزود: اگرچه رئیس‌جمهور تلاش کرده است تا با گنجاندن دیدگاه‌های متنوع در تیم اجرایی خود به وفاق ملی نزدیک شود، اما این اقدام به تنهایی کافی نیست. مقاومت برخی گروه‌های متصلب و کارشکنی‌های ساختاری می‌تواند این ایده را در نطفه خفه کند و مانع از حل مشکلات کشور شود.

نورانی‌نژاد با اشاره به اهمیت بازسازی اعتماد اجتماعی، تاکید کرد که وفاق ملی باید در وهله نخست با احیای امید و اعتماد عمومی آغاز شود.

وی تصریح کرد: وفاق به معنای نادیده گرفتن اختلافات یا نفی رقابت نیست، بلکه به معنای ایجاد سازوکارهایی برای حل اختلافات طبیعی و دستیابی به همکاری مؤثر است. در شرایط کنونی، نقطه مقابل وفاق، نزاع و بی‌اعتمادی است که باید برای کاهش آن تلاش کرد.

این فعال سیاسی با بیان اینکه دولت وفاق ملی باید رویکردی جامعه‌محور داشته باشد، خاطرنشان کرد: دولت باید با اقشار مختلف جامعه در ارتباط باشد و امکان مشارکت فعال آن‌ها را فراهم کند. این تعامل می‌تواند اعتماد عمومی را زنده کند و جامعه را برای پذیرش تصمیمات سخت اما ضروری آماده سازد.

وی همچنین تأکید کرد: نزاع‌های درون‌ساختاری و نگاه‌های متصلب به‌ویژه در برخی نهادهای تأثیرگذار، بزرگ‌ترین مانع تحقق وفاق ملی هستند. زمانی می‌توان از وفاق سخن گفت که همه بازیگران سیاسی و اجتماعی برای حل مسائل ملی به تفاهم و تعامل برسند.

نورانی‌نژاد با اشاره به اهمیت نگاه جامع به وفاق ملی گفت: این مفهوم نمی‌تواند صرفاً یک شعار یا هدف نمادین باشد. وفاق ملی باید به‌عنوان ابزاری برای بازسازی سرمایه اجتماعی و ایجاد توسعه پایدار در دستور کار قرار گیرد.

تاجگردون:
فعلا نباید دنبال استیضاح باشیم

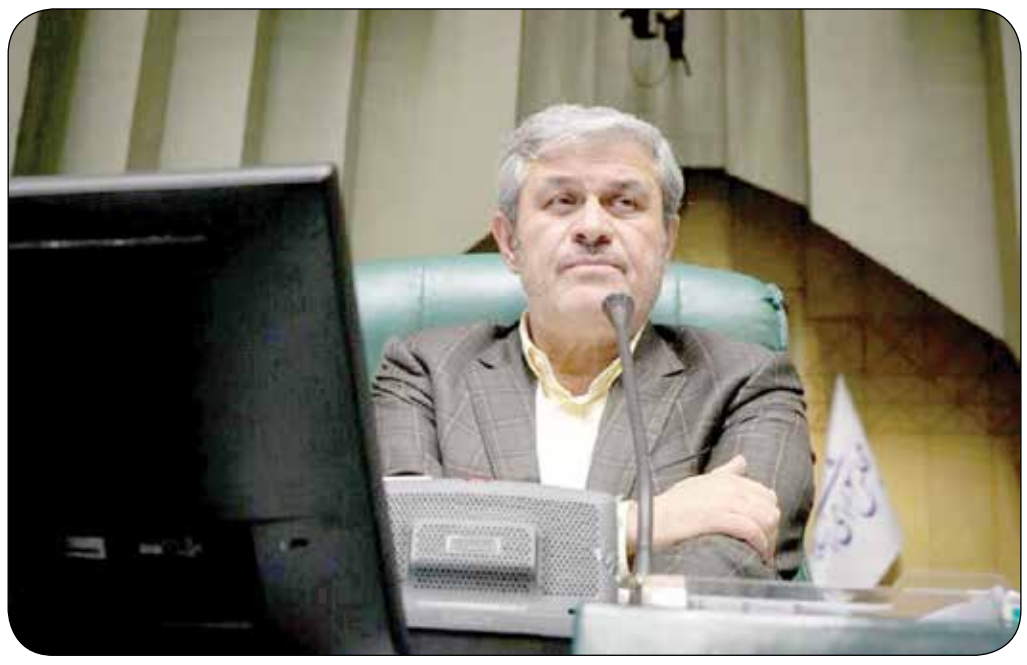

طرح استیضاح وزرای اقتصاد، نفت و کار آن هم در ابتدای ماه‌های ریاست جمهوری چه پیامی دارد؟ زودهنگام است یا یک ضرورت؟ غلامرضا تاجگردون از جمله چهره‌های شناخته شده اصلاح طلب در مجلس به این سوالات خبرآنلاین پاسخ داده است. تاجگردون می‌گوید استیضاح زود هنگام است و البته عاری از رنگ و بوی سیاسی هم نیست.

تاجگردون درباره نطق مخالفت قالیباف هم می‌گوید«ورود قالیباف به اقناع کردن استیضاح کنندگان می‌تواند کمک کند وگرنه او که نمی‌تواند مخالفت کند زیرا...»

در ادامه گفتگوی تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی را می‌خوانید:

آقای تاجگردون! در حال حاضر که بحث استیضاح برخی از وزرا مطرح شده برخی این اقدام را زودهنگام ارزیابی می‌کنند و از طرفی برخی گمانه‌ها درباره پشت پرده این استیضاح‌ها مطرح است، به نظر شما استیضاح وزرا در شرایط فعلی زودهنگام محسوب می‌شود؟

من نمی‌خواهم در مورد زود یا دیر بودن آن صحبت کنم، زود بودن که مشخص است زود است اما گاهی اوقات اتفاقی می‌افتد که خیلی حاد است و باید از زود بودن هم بگذریم، اشکالی ندارد، یعنی اشتباهی صورت گرفته باشد. اما در شرایط فعلی آن اشتباه اتفاق نیفتاده که ما بگوییم این فرد یک مشکلی داشته که ما نمی‌دانستیم و رأی دادیم اما حالا می‌خواهیم او را برداریم.

ولی در مورد استیضاحی که مطرح شده این قضیه مطرح نیست چراکه کاملاً با علم به فردی رأی داده شده، یعنی گذرا نبوده و از طرفی اشتباهی هم صورت نگرفته است. بلکه یکسری شرایط شکل گرفته که این شرایط ناشی از رفتارهای طولانی مدت است، یعنی نمی‌توان گفت که به واسطه این اتفاق چنین حادثه ای شکل گرفته باشد.

بالاخره فرآیند قیمت ارز و بازار روند تلاطمی در کشور داشته و الان هم دارد و حالا با اتفاق و تصمیمی که مبتنی بر قانون برنامه بوده، این برداشت شده است، یعنی هم قانون برنامه به این بازار جدید ارز اشاره می‌کند و هم به صورت کلی مغایرتی ندارد و ضمن اینکه در رابطه با قانون تنظیم بازار هم به این مورد اشاره شده است. در نتیجه اگر بخواهیم بگوییم وزیر اقتصاد را به واسطه این موضوع استیضاح کنیم، وجاهت فنی ندارد.

به نظر من شرایط کنونی الزام می‌کند ما فعلاً دنبال استیضاح نباشیم، مجلس باید به دولت کمک کند و این مسائل را رفع کند. همچنین به وزرا کمک کنیم که مسائل مردم حل شود. در غیر این صورت استیضاح آخرین مرحله کار است چراکه قبل از آن تذکر، سوال و چندین رفت و برگشت به کمیسیون وجود دارد و اگر به سرانجام نرسید باید استیضاح شود، مگر اینکه اشتباهی صورت گرفته باشد که این اشتباه حادث نشده است.

مخالفت قالیباف با استیضاح تا چه اندازه به می‌تواند به منتفی شدن استیضاح کمک کند؟

مخالفت نه اما ورود قالیباف به اقناع کردن استیضاح کنندگان می‌تواند کمک کند وگرنه او که نمی‌تواند مخالفت کند چراکه یک نماینده است اما می‌تواند از طریق هیئت رئیسه و خودش کمک کند که اقناع صورت بگیرد.

وزرای نفت و کار از جمله وزرای پیشنهادی بودند که در جلسه رأی اعتماد در مورد رأی نیاوردن آنها صحبت‌هایی مطرح شد، به نظر شما طرح استیضاح وزرای کار و نفت به نوعی تسویه حساب سیاسی محسوب می‌شود؟

همه اینها را نمی‌توان با یک چوب راند، طرح‌های استیضاح متفاوت هستند. برای مثال در مورد وزیر راه یک عده هستند و یا درباره استیضاح وزیر نفت گروه دیگری مطرح هستند. کما اینکه درباره وزرای اقتصاد و کار هم گروه‌های دیگر مطرح هستند، اینها نقاط اشتراک دارند ولی اینکه همه آنها در یک گروه باشند را قبول ندارم.

برای مثال به این ترتیب نیست که همه موافقین استیضاح وزیر کار، مخالفین وزرای اقتصاد و نفت هم باشند و یا بالعکس. اما در هر صورت این طرح‌ها، پایه سیاسی دارند و نمی‌شود گفت سیاسی نیستند اما شاید در میان استیضاح کنندگان کسانی که موافق دولت هستند، هم حضور داشته باشند به این ترتیب که موافق وزیر نفت باشند اما مخالف وزیر کار باشند، این نکته هم مطرح است.

با توجه به اینکه تعداد امضاءکنندگان استیضاح همتی بیش از بقیه وزرا است، فکر می‌کنید این استیضاح به جایی برسد؟

انشاالله به جایی نمی‌رسد.

عدلیه

انتقاد وکیل پرونده هواپیمای اوکراینی به عدم رسیدگی دادگاه به وضعیت پرونده

وکیل پرونده هواپیمای اوکراینی با اشاره به آخرین وضعیت پرونده گفت: الان بیش از ۶ ماه است که پرونده به دادگاه برگشته اما متاسفانه دادگاه به پرونده رسیدگی نمی‌کند. ما به طور مرتب پیگیری می‌کنیم اما دادگاه مدام امروز و فردا می‌کند و ما منتظر هستیم که رسیدگی به این پرونده دوباره در دادگاه نظامی یک شروع شود. سید محمود علیزاده طباطبایی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره آخرین وضعیت پرونده شکایت خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی گفت: درخصوص پرونده رای صادر شده و ۱۰ نفر محکوم شده‌اند. خانواده‌ها به نحوه رسیدگی به پرونده اعتراض داشتند و اکثریت آن‌ها شکایت‌شان را پس گرفتند و انصراف دادند اما چند نفر ادامه دادند از جمله آقای دکتر اسدی لاری و همسرشان که من وکیل آن‌ها هستم و به رای اعتراض کردیم. وی ادامه داد: پرونده به دیوان عالی کشور رفت و اعتراضات ما را پذیرفتند و ۱۲ ایراد از رای گرفتند. پرونده دوباره به دادگاه رسیدگی کننده که دادگاه نظامی یک بود برگردانده شد تا دادگاه این ایرادات را برطرف کرده و مجددا رای را صادر کنند. این وکیل دادگستری تصریح کرد: با این اقدام رایی که صادر شده بود به طور کامل نقض شد و دوباره باید رسیدگی انجام شود. الان بیش از ۶ ماه است که پرونده به دادگاه برگشته اما متاسفانه دادگاه به پرونده رسیدگی نمی‌کند. ما به طور مرتب پیگیری می‌کنیم اما دادگاه مدام امروز و فردا می‌کند و منتظریم که رسیدگی به این پرونده دوباره در دادگاه نظامی یک شروع شود. علیزاده طباطبایی در پاسخ به این سوال که آیا ممکن است در رسیدگی مجدد پرونده دوباره افرادی بازداشت شوند، گفت: با ایراداتی که گرفتیم من امیدوارم؛ چراکه ایراداتی که گرفته‌ایم و دیوان هم آن‌ها را پذیرفته است بر این اساس است که مقامات بالاتر از افرادی که متهم بودند هم مرتکب همین تخلفات شده‌اند و آن چیزی که دادگاه پذیرفته این است که در زمان اضطراری اگر خلاف مقررات عمل کنند، در حکم محاربه است و ما گفته‌ایم که خیلی از مقامات بالاتر از این ده نفر هم در زمان اضطراری خلاف مقررات عمل کرده‌اند و دیوان این ایراد ما را پذیرفته و پرونده را به دادگاه برگردانده تا به تخلفات آن‌ها هم رسیدگی شود. وی با بیان اینکه پرونده باید در شعبه دوم نظامی یک رسیدگی شود، گفت: اگر یک نفر از خانواده‌ها هم شاکی باشد دادگاه باید رسیدگی کند. من روز اول هم به همه خانواده‌ها گفتم که تنها دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دادگاه کیفری را دارد، دادگاه ایران است و باید همین جا بایستیم تا رسیدگی عادلانه صورت بگیرد. برخی از خانواده‌ها در خارج از کشور دعاوی را مطرح کردند اما دعاوی کیفری در هیچ کجا جز ایران بررسی نمی‌شود. دعاوی حقوقی ممکن است در کشور دیگری درباره خسارت رسیدگی شود اما خانواده‌ها بحث‌شان دریافت خسارت و دعوای حقوقی نیست بلکه بیشتر بحث آن‌ها این است که مقصرین اصلی باید شناسایی، محاکمه و محکوم شوند و من امیدوارم که این اتفاق بیفتد. این وکیل دادگستری در پاسخ به این سوال که آیا در این مدت ابلاغ و یا احضاری برای فردی صادر شده، گفت: نه متاسفانه هنوز تصمیمی گرفته نشده است. دادگاه گفته است که رسیدگی می‌کنیم اما سرشان شلوغ است و رئیس دادگاه هم سمتی در سازمان قضایی نیروهای مسلح دارد و باید قاضی شعب را تعیین کنند و قضات جدید بیایند و پیگیری کنند. ما ادعاهایی داریم که این ادعاها در دادگاه باید بررسی شود و تلاش می‌کنیم که این دادگاه برگزار شود.

سوشیال

نقش جلیلی در حوادث سال ۸۸ به روایت محمد مهاجری

یک فعال اصولگرا درباره نقش جلیلی در حوادث سال ۸۸، نوشت: دلیلی ندارد منتظر باشیم اسناد فلان وزارتخانه یا سازمان بیگانه بعد از ده‌ها سال منتشر شود و نقش خیلی‌ها آشکار گردد. آن هم به جای خود مفید است اما چه بسا به عمر بسیاری از سیاست پیشگانی که در ان دوره زیسته‌اند وصال ندهد.

محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا در یادداشتی در کانال تلگرامی خود نوشت:

انتشار متنی درباره نقش آقای سعید جلیلی در حوادث ۸۸ توسط حجت الاسلام والمسلمین سنایی‌فر از قضات بازنشسته که از صاحب منصبان قضایی به شمار می‌رفته، برگ مهمی از تاریخ سال‌های اخیر کشور است که نباید به سادگی از آن عبور کرد.

تا کنون بیشترین مطالبی که درباره انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ گفته شده، روایتی برساخته از سوی یک جریان سیاسی است که اتفاقا آقای سعیدجلیلی در آن جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد.

با انتشار نکته آقای سنایی‌فر مبنی بر مخالفت جلیلی به عنوان دبیر شورای‌عالی‌امنیت‌ملی با حضور آقای میرحسین موسوی در تلویزیون به منظور ختم غائله، این پرسش جدی به وجود می‌آید که این تصمیم که می‌توانست باحتمال بسیار زیاد، آتش را مهار کند، از کدام پشتوانه مشکوک و مسئله‌داری برخوردار است؟

اگر آن مصاحبه انجام می‌شد از خسارت‌های بزرگ به اموال و اماکن‌عمومی جلوگیری می‌گردید و ضربه‌های سیاسی پی درپی به اعتبار نظام وارد نمی‌شد. شاهد ماه‌ها ناآرامی در خیابان‌ها نمی‌بودیم و آرامش روانی میلیونها ایرانی مخدوش نمی‌شد و خاطره آن انتخابات به کام تاریخ معاصر تلخ نمی‌شد.

در سایه آن وقایع ، احمدی نژاد با فرصتی که رخدادهای انتخابات ۸۸برایش فراهم کرد (و حالا با نامه یک قاضی روشن شده که نقش آقای سعید جلیلی ، علت موجبه آن بوده) آغازگر یا تشدیدکننده تحریم‌هایی بود که ۱۲-۱۳سال است بزرگترین ضربه‌ها را بر سفره مردمی زده که هر دوی آنها (جلیلی و احمدی نژاد) برایشان تظاهر به غصه خوردن کرده‌اند. پیشنهاد این نوشته، رسیدگی قضایی به نقش مرموز آقای جلیلی در واقعه۸۸ نیست. قضاوت را باید به تاریخ سپرد، هرچند عقده‌گشایی‌های منتسبان او در همین ماه‌های اخیر، پرده از چهره او و آنها برداشته است. آنچه مدنظر است اینکه اهالی سیاست و رسانه یکبار دیگر، حوادث ۸۸ را با روشن شدن بازیگر یا بازیگرانی که جدیدا نقش شان لو رفته بازخوانی کنند تا جریان مقصر با بازی تکراری «آی دزد، آی دزد» از معرکه نگریزد.

هرچند نقش بیگانگان در بهره برداری از رخدادهای۸۸ قابل کتمان نیست، اما با بررسی بیشتر نقطه‌های تاریک تاریخ آن سال می‌توان ردپای جریان‌های مشکوک و شاید وابسته به دشمن را کشف کرد.

تاکنون فقط یک روایت از آن اتفاق گفته شده که روز به روز بر بی اعتبارشدنش افزوده می‌شود. روی دیگر سکه را هم باید دید.

دلیلی ندارد منتظر باشیم اسناد فلان وزارتخانه یا سازمان بیگانه بعد از ده‌ها سال منتشر شود و نقش خیلی‌ها آشکار گردد.

آن هم به جای خود مفید است، اما چه بسا به عمر بسیاری از سیاست پیشگانی که در ان دوره زیسته‌اند وصال ندهد. این قلم خدای ناکرده مانند برخی از ما اصولگراها بدنبال متهم کردن کسی به وابستگی به دشمن نیست.

چه بسا بعضی افراد انقدر دچار پخمگی سیاسی بوده و هستند که نیازی نبوده است دشمن آنها را به عنوان عامل استخدام کند.

آنها همچون بره‌های سر به زیر بدنبال بوته‌ای از علف روان شده و در مرتع دشمن چریده‌اند.

واعظی:
وفاق به معنی توافق روی افراد نیست

رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت دوازدهم گفت: یکی از آفت‌های وفاق که کم و بیش ما شاهد آن بوده‌ایم این است که به جای اینکه در حاکمیت و با گروه‌های مختلف احزاب روی برنامه‌ها و اصول توافق شود، توافق روی اشخاص صورت می‌گیرد من فکر می‌کنم این مسئله بسیار خطرناک است.

محمود واعظی در گفتگو با ایرنا گفت: به نظر من، بحث وفاق ملی در شرایط سخت کنونی که با مسائل مختلف داخلی، مشکلات منطقه‌ای، و تحریم‌های بین‌المللی مواجه هستیم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این گفتمان، بسیار مطلوب و ضروری به نظر می‌رسد. اما لازم است که شخص رئیس‌جمهور و تیم همراه ایشان، تعریف مشخصی از این وفاق ملی ارائه دهند و نحوه‌ی عملیاتی کردن آن را روشن کنند.

قائم مقام حزب اعتدال و توسعه ادامه داد: از دید من، وفاق ملی می‌تواند در دو بخش اصلی تعریف شود؛ بخش اول، بخش حاکمیتی است. در این بخش، رئیس‌جمهور و دولت باید بتوانند با قوه قضائیه، مجلس، و نهادهای صاحب‌نفوذ و قدرت، به تفاهم برسند. این تفاهم باید بر پایه برنامه‌ها و وعده‌هایی باشد که رئیس‌جمهور به مردم داده است و پاسخگوی مطالبات حدود ۱۷ میلیون نفری باشد که به ایشان رأی داده‌اند.

واعظی تصریح کرد: بخش دیگر، وفاق با مردم است. به هر حال، نمی‌توان وفاق را جداگانه تعریف کرد، بدون اینکه اثرات آن در جامعه و بین مردم دیده شود. به نظر من، عمل به وعده‌ها، شنیدن مطالبات مردم، و آشنایی با دغدغه‌ها و گرفتاری‌هایی که امروز در جامعه وجود دارد از الزامات وفاق است. داشتن برنامه‌ای مشخص برای حل مشکلات مردم، به گونه‌ای که رضایتمندی عمومی افزایش یابد و منجر به تقویت سرمایه اجتماعی دولت شود، تعریفی دیگر از وفاق به شمار می‌آید.

واعظی افزود: یکی از آفت‌های وفاق که کم و بیش ما شاهد آن بوده‌ایم این است که به جای اینکه در حاکمیت و با گروه‌های مختلف احزاب روی برنامه‌ها و اصول توافق شود، توافق روی اشخاص صورت می‌گیرد من فکر می‌کنم این مسئله بسیار خطرناک است. این رویکرد نه‌تنها وفاق محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند باعث شود که دولت حتی در برنامه‌های عادی خود نیز موفق نباشد.

او اظهار کرد: اگر در جامعه گروهی یا افرادی باشند که متعلق به جریان‌هایی هستند که اصول، برنامه‌ها و سیاست‌های اعلام‌شده رئیس‌جمهور را قبول ندارند و حتی رویکردی کاملاً متفاوت دارند، استفاده از این افراد تحت عنوان وفاق، باید بگوییم به هیچ وجه وفاق محسوب نمی‌شود. به نظر من، چنین کاری نه‌تنها وفاق نیست بلکه می‌تواند باعث شکست برنامه‌ها و سیاست‌های رئیس‌جمهور و دولت شود. واعظی در پاسخ به این سوال که آیا وفاق ملی می تواند زمینه عدالت اجتماعی را ایجاد کند، گفت: حتما می تواند ایجاد کند. اگر وفاق ملی اینگونه که تعریف شد، روی اصول و سیاست‌ها باشد قطعاً نتیجه خواهد داشت و اگر که مطالبات مردم انجام شود قطعاً باعث افزایش سرمایه اجتماعی و رضایت مردم خواهد شد و آن زمان وفاق معنی پیدا خواهد کرد.

هاشمی طبا:
وفاق ملی یک طرفه ایجاد نمی‌شود

یک فعال سیاسی تاکید کرد: بحث وفاق ملی بحثی نیست که یکطرفه باشد به نظر می آید که بعضی افراد قادر به تحمل یکدیگر یا پذیرش طرز فکر متفاوت نباشند.

سید مصطفی‌هاشمی‌طبا فعال سیاسی در گفت‌وگو با ایلنا در مورد اینکه با توجه به شعار اصلی دولت چهاردهم که وفاق ملی بوده و تلاش دارد تا این وفاق را در جامعه محقق کند، چگونه می‌توان با وجود تفکرات متنوع به این هدف رسید، عنوان کرد: بحث وفاق ملی بحثی نیست که یکطرفه باشد به نظر می‌آید که بعضی افراد قادر به تحمل یکدیگر یا پذیرش طرز فکر متفاوت نباشند. البته بسیاری از مردم عادی، با هر مذهب و دینی، در کنار هم زندگی می‌کنند و مشکلی با یکدیگر ندارند این سیاستمداران هستند که به دلیل ورود به عرصه سیاست و پیروی از نگرش‌های خاص خود، ممکن است نتوانند به وفاق ملی دست یابند.

وی ادامه داد: در این زمینه، سیاستمداران به دلایلی ممکن است شعار وفاق دهند، ولی در عمل اختلافات خود را نمایان کنند. حتی در دولتی که عنوان دولت وفاق را یدک می‌کشد، می‌بینیم که برخی وزرا موضع‌گیری‌ها و اقداماتی انجام می‌دهند که اصلاً با مجموعه طرز فکری دولت چهاردهم سازگار نیست. وفاق ملی خیلی خوب است ولی تحقق آن در میان سیاستمداران دشوار به نظر می‌رسد.

هاشمی‌طبا اظهار کرد: اگرچه مردم در سطح عمومی معمولاً با هم مشکلی ندارند و به راحتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و وفاق دارند. در سطح سیاستمداران، به دلیل رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک، رسیدن به وفاق بسیار مشکل است. نمی‌شود گفت که همه یک جور فکر می‌کنند و باید همه از یک قانون پیروی کنند بلکه وفاق ملی باید براساس رعایت اصول و قوانین مشترک و احترام به حقوق یکدیگر بنا شود.

وی افزود: یک نکته اساسی که در این بحث باید به آن توجه کنیم، این است که مسئولین قضایی باید در برابر تخلفات از قانون یا تهمت‌های بی‌اساس واکنش نشان دهند و اجازه ندهند که این مسائل در جامعه تقویت شوند. ظاهرا حدیثی وجود دارد که تهمت زدن به برخی افراد واجب است و بر این اساس تهمت‌هایی زده می‌شود که گمان می‌کنند ایرادی ندارد. دستگاه قضایی نباید در برابر چنین مسائل و رفتارهای ناپسندی سکوت کند.

این فعال سیاسی تصریح کرد: فرض کنید وفاق ملی برقرار شود. به قول علما، می‌پرسند؛ بعدش چه؟ یعنی، وفاق ملی شاید شرط لازم باشد، اما اینکه پس از حصول آن چه می‌خواهیم انجام دهیم، بسیار مهم است. ما سال‌ها بر این باور بودیم که به جای تمرکز بر خارج باید به مسائل داخلی بپردازیم اما اکنون می‌بینیم که توجهی به داخل نیست.

وی ادامه داد: مهم این است که ما فرض کنیم وفاق ملی به دست آمده و سیاستمداران به ظاهر توافق کرده‌اند که همه چیز عالی است. سؤال اصلی این است که قصد دارند چه اقدامات مشخصی انجام دهند؟ آیا برنامه‌ریزی‌های کلانی مانند برنامه هفتم توسعه، با یک دیدگاه مشترک و هم‌سویی کامل اجرا خواهد شد؟

یادداشت

افول زود هنگام

ادامه از صفحه ۱

در نقطه مقابل تولیدات صنعتی، خدمات اغلب غیرقابل تجارت بوده و از نظر فناوری کمتر پویا هستند. در همین حال، حتی رشته فعالیت‌های تجارت‌پذیر و پویای بخش خدمات نیز عمدتا در قیاس با صنعت ظرفیت پایین‌تری برای جذب نیروی کار دارند. بر همین اساس، اطلاق صفت زودرس به انقباض سهم صنعت در کشورهای با درآمد متوسط تنها توصیف یک مشاهده نیست، بلکه همچنین از آن رو است که این پدیده می‌تواند با تاثیرات منفی عمیق بر مسیر رشد اقتصاد و به‌ویژه روند اشتغال همراه باشد. تغییرات فناوری مبتنی بر مهارت، جهانی شدن و ظهور چین و هند به عنوان قطب‌های اصلی تولید محصولات صنعتی اغلب به عنوان پراستنادترین دلایل بروز صنعت‌زدایی زودرس ذکر می‌شوند. در همین حال، برخی شواهد آماری نشان می‌دهد که تاثیرات منفی این عوامل در کشورهای غنی از منابع طبیعی با نهادهای سیاسی ضعیف شدیدتر بوده است. سازگار با این مشاهده، نیروهای اصلی اقتصادی پیشران پدیده صنعت‌زدایی زودرس در ایران نیز به‌شدت با مساله نفت و گاز گره خورده‌اند: صنعت‌زدایی در کشورمان با پوپولیسم نفتی و بیماری هلندی در نیمه پایانی دهه ۱۳۸۰ کلید خورد و در ادامه، با محدودیت دسترسی به منابع مالی و بازارهای جهانی در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی و نیز سیاست‌هایی مانند ممنوعیت واردات تداوم یافت. البته، این توصیف اقتصادی نباید موجب شود تا از نگاه به روی دیگر سکه یعنی تبیین سیاسی صنعت‌زدایی در ایران غفلت کنیم. برای نمونه، گرچه بیماری هلندی یک چارچوب نظری کلاسیک برای توضیح رابطه منفی رونق نفتی و رشد اقتصادی است، اما به هر حال، گرفتاری ایران به این بیماری در دولت‌های نهم و دهم از آن رو بود که فراهم‌آوری ارزانیِ دولتی از مسیر تثبیت نرخ ارز و گسترش واردات اولویت سیاسی بالاتری نسبت به توسعه صنایع داخلی داشت. به‌طور مشابه، تحریم‌های اقتصادی و سیاست‌های ناظر بر محدودیت واردات طی دهه اخیر توسط منافع اقتصادی-سیاسی قدرتمند پشتیبانی شده و می‌شوند. شواهد ارائه شده در مطالعه «چالش‌های صنعتی‌شدن ایران» نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد ارزش افزوده صنعت کشور در دو گروه اصلی از صنایع متمرکز است. اول، مجموعه فعالیت‌هایی که انرژی یا فرآورده‌های نفت و گاز را به عنوان نهاده اصلی استفاده می‌کنند و مالکیت آنها عمدتا غیرخصوصی است. دوم، رشته فعالیت‌های مرتبط با تولید محصولات صنعتی بادوام و کم‌دوام مصرفی و سرمایه‌ای (مانند لوازم خانگی، خودرو و...) که ادامه حیات آنها وابسته به تامین ارز ارزان نفتی از یک سو و اعمال انواع محدودیت‌های وارداتی برای محصولات مشابه از سوی دیگر بوده است. این مشاهدات را می‌توان برای ترسیم یک تصویر کامل از برندگان و بازندگان اقتصادی-سیاسی پویایی‌های صنعتی ایران طی دو دهه گذشته مورد استفاده قرار داد: حکمرانی اقتصادی-سیاسی کشور نه‌تنها مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را مسدود کرده و در مواردی مانند ایجاد ثبات اقتصاد کلان و تامین مالی ناموفق بوده، بلکه در تخصیص منابع نسل‌های امروز و آتی به منافع خاص اقتصادی-سیاسی تا آنجا تهاجمی عمل کرده که اکنون حتی از تامین روزمره انرژی موردنیاز کشور نیز ناتوان شده است. برخی بر این گفته پافشاری می‌کنند که بخش صنعت در ایران با موفقیت توانسته در برابر تحریم‌های اقتصادی «مقاومت» کند. با این حال، این روایت از مقاومت تنها معنایی محدود از موفقیت را در بر گرفته و بر عدم‌وقوع پیش‌بینی‌های ناظر بر فروپاشی صنعتی ایران تمرکز می‌کند. بله، بخش صنعت در ایران توانسته تا حدی در برابر تحریم‌ها تاب آورد اما میانگین نرخ رشد آن طی دهه۱۳۹۰ تنها ۱.۵درصد بوده است. واقعیت‌های آماری مطالعه «چالش‌های صنعتی‌شدن ایران» مانند بهره‌وری کاهنده، کاهش هزینه تحقیق و توسعه، عدم‌تغییر ترکیب کیفی نیروی انسانی، افزایش قیمت نسبی صنعت در مقایسه با خدمات، افزایش قابل‌توجه انرژی‌بری و مصرف آب صنعتی، کاهش حاشیه سود بنگاه‌های صنعتی، تراز منفی ارزی و تمرکز بالای تولید در تعداد محدودی از واحدهای تولیدی نشان می‌دهند که «اقتصاد مقاومتی» تکیه‌گاهی نیست که بتوان در بلندمدت هم به آن آویخت. واقعیت تلخ این است که تحریم‌های بین‌المللی، نقطه پایانی بر سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری به کشور گذاشته است. درحالی‌که فناوری‌های صنعتی در سراسر جهان به‌سرعت در حال گسترش بوده و کشورهای منطقه به‌شدت برای جذب سرمایه رقابت می‌کنند، صنعت ایران به خواب رفته است. تا پیش از تحریم‌ها، کالاهای «ساخت ایران» به‌طور نسبی از کیفیت و پیچیدگی مشابه با کالاهای صنعتی تولیدشده در سایر اقتصادهای در حال توسعه مانند ترکیه یا برزیل برخوردار بودند، اما اقتصاد ایران اکنون به‌طور فزاینده تنها کالاهایی را تولید می‌کند که ناکارآمد، فاقد ویژگی‌های به‌روز و گران‌تر از آنچه باید باشد هستند؛ پدیده‌ای که اقتصاددانان آن را «جایگزینی واردات واپس‌رونده فناوری» می‌نامند. بررسی روند عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از سال۲۰۰۹ به بعد در جایگاهی بین رتبه‌های ۵۰ تا ۶۰ درجا زده است. فقدان سرمایه‌گذاری به‌وضوح بزرگ‌ترین مشکل است. بر اساس آخرین آمار پایگاه داده کامترید سازمان ملل متحد، واردات کالاهای سرمایه‌ای به ایران در سال ۲۰۲۲ در مجموع کمتر از ۸ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۱۱، یعنی دوره اوج تشکیل سرمایه ثابت در ایران، به بیش از ۲۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. چنانچه به یاد بیاوریم که انتقال فناوری عمدتا در قالب جریان سرمایه انجام می‌شود، اهمیت فقدان سرمایه‌گذاری در کشور بیش از پیش می‌شود. این، در همین حال، بدان معنی است که ایران می‌تواند مزیت‌های اقتصادی قابل‌توجهی را به‌عنوان کارت بازی بر روی میز مذاکرات با طرف‌های خارجی قرار دهد، مشروط به آنکه ابتدا سیاست بپذیرد که باید در خدمت اقتصاد عمل کند.

رئیس قوه قضائیه:
نباید بگذاریم اعتماد مردم در مسائل مختلف مخدوش شود

رئیس قوه قضائیه گفت: ما معتقدیم اعضا و فعالان بخش خصوصی باید از تصمیمات و مصوبات حکومتی که مستقیم یا غیرمستقیم بر فرآیندهای کاری و تخصصی آنها اثر می‌گذارد، به‌صورت نظام‌مند مطلع شوند و حتی طرف مشورت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران قرار گیرند.

به گزارش ایلنا به نقل از مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای طی سخنانی در نشست هم‌اندیشی با نمایندگان منتخب بانک‌های غیردولتی، ضمن اشاره به نقش مهم و اثرگذار نظام بانکی در تسهیل رشد اقتصادی، اظهار کرد: امروز مسائل اقتصادی در زمره اولویت‌های اصلی کشور است و همه بخش‌ها و دستگاه‌ها از جمله نظام بانکی باید در این زمینه، به هماهنگی و هم‌افزایی دست یابند.

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: اعتقاد و عزم ما آن است که برای فائق آمدن بر مسائل و مشکلات اقتصادی، باید به بخش خصوصی، میدان دهیم؛ در این زمینه نیاز است نگاه و بینش آحاد جامعه اعم از مردم و حکمرانان، نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های بخش خصوصی، متحول شود؛ برای تحقق این فقره، خودِ عاملان و مباشران در بخش خصوصی باید پیشگام و طلایه‌دار باشند و ظرفیت‌های خود را نمایان سازند.رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: ما معتقدیم اعضا و فعالان بخش خصوصی باید از تصمیمات و مصوبات حکومتی که مستقیم یا غیرمستقیم بر فرآیندهای کاری و تخصصی آنها اثر می‌گذارد، به‌صورت نظام‌مند مطلع شوند و حتی طرف مشورت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران قرار گیرند؛ در همین رابطه، ما به سهم خود در قوه قضائیه اعلام می‌کنیم که آماده‌ایم سازوکاری را طراحی کنیم تا در موعد تصویب مصوبات یا تدوین بخشنامه‌هایی که به نحوی از انحاء به بخش خصوصی مربوط می‌شود، فعالان و کنشگران این بخش، بصورت نظام‌مند، مورد مشورت قرار گیرند.

رئیس عدلیه افزود: من‌باب مثال، وقتی قرار است در هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه‌ای مرتبط با موضوعات نظام بانکی صادر شود، ما اعلام آمادگی می‌کنیم که با طراحی سازوکاری مدوّن، شما نمایندگان بانک‌های غیردولتی (و به طور کلی، نمایندگان نظام بانکی) بتوانید برای ارائه نقطه‌نظرات تخصصی خود در باب موضوع مطروحه، در جلسه مزبور حاضر شوید.

قاضی‌القضات بیان داشت: شما نمایندگان بانک‌های غیردولتی و به طورکلی، مدیران و دست‌اندرکاران نظام بانکی کشور و البته همه مدیران نظام باید در جهت افزایش اعتماد عمومی تلاش کنند و وجه همت خود را متمرکز بر این فقره گردانند؛ بدون‌تردید مخدوش شدن اعتبار دستگاه‌ها و خدشه بر اعتماد مردم، تبعاتی را برای نظام به همراه خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای جلوگیری از مخدوش شدن اعتماد مردم به نظام بانکی، آن است که مدیران بانکی نظارت‌های مستمری را بر زیرمجموعه خود اِعمال کنند و با انجام بازرسی‌های دقیق، مانع وقوع فساد و تخلف در زیرمجموعه خود شوند.

رئیس قوه قضائیه گفت: تبیین‌گری نیز باید در دستور کار مدیران و و دست‌اندرکاران نظام بانکی کشور باشد؛ گاهی فقره یا پرونده‌ای ناظر بر یک مسئله بانکی در اذهان مردم شکل می‌گیرد که با واقعیت نیز تطابق ندارد و معاندان نیز آن را دستاویزی برای سیاه‌نمایی قرار می‌دهند؛ در اینجا مدیران و و دست‌اندرکاران نظام بانکی کشور ورود داشته باشند و م